

## داستان مسیح و انجیل

با اینکه یهودیان برای تاریخ ملی و ضبط حوادثی که در طول تاریخ زندگیشان رخ میدهد اهمیت زیادی قائل بوده و هستند با این وصف ذکر از حضرت عیسی و کیفیت ولادت و ظهور و روش زندگی و معجزاتی که خدا بدست او ظاهر فرمود، در کتابهایشان دیده نمیشود.

چه امری موجب شده که این داستان برایشان مخفی بماند یا موجب شده که خودشان آنرا مخفی سازند؟

قرآن شریف در باره یهودیان میفرماید که: ایشان بمریم در باره ولادت عیسی تهمت زدند و نیز مدعی قتل عیسی شدند (۱).

آیا مدرک این ادعایشان داستانی بوده که بدون استناد بکتابی آنرا نقل میکرده اند (چنانکه سایر ملتها داستانهای واقعی و افسانه‌های زیادی دارند و مادامی که مدرک صحیح و قابل اعتمادی نداشته باشد معتبر شناخته نمیشود) یا آنکه از مسیحیان مکرر نام عیسی و ولادت و ظهور او را شنیده بودند پس بمریم تهمت زدند و مدعی قتل عیسی شدند؟ راهی برای یافتن پاسخ روشنی وجود ندارد جز اینکه قرآن شریف فقط ادعای قتل مسیح (نه دار-

زردن او) را صریحاً بایشان نسبت داده و یادآور میشود که آنان دچار شك و تردید بوده اند و اختلافی در اینمطلب موجود است .

و امام مسیحیان آنچه را در بارهٔ مسیح و انجیل و بشارت قائلند مأخذش عهد جدید یعنی انجیل متی و مرقس و لوقا و یوحنا و رساله اعمال رسولان و رساله های دیگری از پولس و پطرس و یعقوب و یوحنا و یهودا میباشد و اعتبار همه بستگی باعتبار انجیلها دارد ، بنا بر این به بحث در بارهٔ آنها میپردازیم: اما انجیل متی که از نظر تصنیف و انتشار قدیمترین انجیل است تاریخ تصنیف آنرا بعضی سال ۳۸ میلادی و دیگران بین ۵۰ تا ۶۰ میلادی (۱) دانسته اند ، پس بطور مسلم بعد از زمان حضرت عیسی (ع) تألیف شده است. و محققین بر آنند که اصل آن بزبان عبری بوده و بعد بیونانی و سایر زبانها ترجمه شده است و ولی اصل نسخهٔ اصل عبریش در دست نبوده و حال ترجمه و مترجم آن نیز معلوم نیست . (۲)

مرقس مؤلف یکی دیگر از انجیلها شاگرد پطرس بوده و خودش از حواریین نبوده است و گفته اند که تألیف انجیل با اشاره و امر استادش بوده است. وی قائل بالوهیت حضرت مسیح نبود و از اینرو بعضی از مسیحیان در بارهٔ او گفته اند که انجیلش را برای عشایر و اهل دهات نوشته و مسیح را بعنوان پیامبر و رسانندهٔ احکام خدا معرفی کرده است. (۳) و در هر صورت

(۱) قاموس کتاب مقدس

(۲) کتاب میزان الحق . در کتاب قاموس کتاب مقدس نیز با تردید باین

مطلب اعتراف کرده است .

(۳) در کتاب «قاموس کتاب مقدس» گوید: صریح آنچه بتواتر از گذشتگان

نقل شده اینست که مرقس انجیلش را در «رومیه» نوشت و بعد از وفات پطرس و پولس منتشر شد، ولی چندان اعتباری ندارد زیرا از ظاهر آن چنین بر میآید که —

تاریخ نوشتن انجیل مرقس سال ۶۱ میلادی می باشد.

لوقا مؤلف یکی دیگر از انجیلها نه از حواریین بود و نه حضرت مسیح را ملاقات کرده بود. وی مسیحیت را از پولس فرا گرفت و پولس یهودی متعصبی بود که پیروان عیسی را بسیار آزار میداد ، روزی ناگهان ادعا کرد که حالت صرعی برای او دست داده و در آن حال حضرت عیسی او را لمس کرده و او را از آزار پیروانش منع فرموده و او با حضرت ایمان آورده و از طرف مسیح برای بشارت دادن با انجیل آمده است .

همین پولس است که پایه های مسیحیت کنونی را استوار کرد و اساس تعلیم خود را بر این نهاد که تنها ایمان بمسیح بدون انجام هیچ کار نیکی برای نجات بشر کافی است و خوردن مردار و گوشت خوک را مباح شمرد ! و ختنه و بسیاری از دستورات دیگر تورات را ممنوع دانست. انجیل لوقا بعد از انجیل مرقس و پس از مرگ پولس و پطرس نوشته شده و گروهی تصریح کرده اند که این انجیل کتاب الهامی نیست و جملاتی که در اول آن واقع شده بر این معنی دلالت دارد .

یوحنا مؤلف انجیل چهارم بعقیده بسیاری از مسیحیان پسر زبدي صیاد و یکی از شاگردان دوازده گانه (حواریین) مسیح و مورد علاقه شدید آن حضرت بوده است. گویند که چون «شرینطوس» و «ایسوس» و پیروانشان معتقد بودند که عیسی آفریده خدا بوده و وجودش بر وجود مادرش تقدم نداشته است اسقفهای آسیا و جزایشان در سال ۹۶ میلادی نزد یوحنا رفتند و از او درخواست کردند که آنچه را دیگران در انجیلها ننوشته اند بنویسد

→ آنرا برای اهل قبایل و دهاتیها نوشته نه برای شهر نشینان و مخصوصاً شهر «رومیه» (دقت شود) .

و بمیان ویژه ای لاهوت مسیح را توضیح دهد و او نتوانست در خواست آنان رازد کند. (۱)

در تاریخ نوشتن انجیل یوحنا اختلاف است که آیا در سال ۶۵ میلادی بوده یا در سال ۹۶ و یا در سال ۹۸. ولی گروهی دیگر مؤلف آن را یوحنا حواری نمیدانند. بعضی از این گروه آنرا تألیف یکی از شاگردان مدرسه اسکندریه (۲) دانسته و بعضی دیگر آن و سایر رسائل یوحنا را تألیف یکی از مسیحیان قرن دوم میلادی میدانند که برای جلب اعتماد مردم آنرا ب یوحنا نسبت داده و بعضی دیگر بر آنند که اصل انجیل یوحنا دارای بیست باب بوده و بعد از مرگ وی کلیسای «افاس» باب بیست و یکم را بر آن افزوده است.

اینست حال انجیل‌های چهار گانه که طریق آنها بهت نفس‌ر میرسد (متی، مرقس، لوقا، یوحنا، پطرس، پولس، یهودا) و اعتماد نهائی ایشان بر انجیل‌های چهار گانه است که با انجیل متی منتهی میشود همان انجیلی که قدیمی ترین انجیل است و چنانکه گفتیم اصل آن عبرانی بوده و فعلا در دست نیست و معلوم نیست که چه کسی آنرا ترجمه کرده و پایة تعلیم اصل بر رسالت و پیامبری عیسی بوده یا بر خدائی او؟!

انجیل فعلی میگوید: در بنی اسرائیل مردی بنام عیسی پسر یوسف نجار ظهور کرد و مردم را بسوی خدا دعوت نمود، وی مدعی بود که پسر خدا است. و بدون داشتن پدری از جنس بشر بوجود آمده است و پدرش او را فرستاده که بعوض گناهان مردم دار زده و گشته شود. او مردم را زنده

(۱) در قصص الانبیاء از کتاب جرجس ز دین فتوحی لبنان نقل کرده است.

(۲) از کتاب «کاتلک هرالده» نقل شده و در قاموس کتاب مقدس (ماده یوحنا)

کرد و کور مادرزاد و مبتلی بمرض پیسی را بهبود بخشید و دیوانگان را با بیرون کردن جن از بدن ایشان شفاداد. عیسی دوازده شاگرد داشت که یکی از آنها تمی بود و بایشان برکت داد و آنان را برای دعوت مردم و تبلیغ مسیحیت فرستاد ...

این خلاصه اساس مسیحیتی است که شرق و غرب عالم را فرا گرفته و چنانکه ملاحظه میفرمائید اساس آن بیش از خبر واحدی نیست آنهم از کسی که نه نامش معلوم است (۱) و نه احوال و مشخصاتش!

این سستی شگفت آور در اصل داستان بعضی از نویسندگان اروپائی را بر آن داشته که بگویند: اساساً مسیح یک موجود خیالی است که دست انقلابات دینی بتفع یا علیه حکومتهای وقت او را بوجود آورده است اوه وئید آن موضوع خرافی دیگری است که از هر جهت با آن شباهت کامل دارد و آن موضوع « کرشنا » است که بت پرستان قدیم هند او را پسر خدا میدانسته اند که از عالم لاهوت تنزل کرده تا در این جهان بدار آویخته شود و بدینوسیله جان خود را فدای مردم سازد و ایشان را از گناهان نجات بخشد .

و گروهی دیگر از اهل بحث و انتقاد را بر آن داشته که معتقد شوند باینکه دو نفر بنام مسیح بوده اند که بیش از پانصدسال بین ایشان فاصله بوده و تاریخ میلادی معروف، با میلاد هیچ کدام از آنها موافق نیست بلکه مسیح اول بیش از دو بیست و پنجاه سال قبل از مبداء این تاریخ دنیا آمده و در حدود شصت سال زندگی کرده و بدون دار زدن از دنیا رفته است. و مسیح دوم بیش از دو بیست و نود سال بعد از مبداء این تاریخ تولد یافته و در حدود سی و سه

سال زندگی کرده و بدار آویخته شده است .

ناگفته نماند که اجمالا منطبق نمودن مبدأ تاریخ میلادی با میلاد مسیح برای مسیحیان قابل انکار نیست (بقاموس کتاب مقدس مراجعه شود). علاوه بر آنچه گفته شد مطالب تردید آور دیگری نیز هست ، از جمله آنکه : در دو قرن اول میلادی انجیل‌های زیادی نوشته شده که شماره آنها را بی‌کصد و چند عدد رسانده اند و انجیل‌های چهار گانه از جمله آنها بوده است ، بعدها کلیسا سایر اناجیل را تحریم کرد و این چهار انجیل را که موافق تعالیم کلیسا بود قانونی شناخت ، از جمله انجیل‌های متروک یکی انجیل «برنابا» است که چند سال قبل نسخه‌ای از آن بدست آمد و بزبان عربی و سپس بفارسی ترجمه شد. آنچه در این انجیل از داستان حضرت عیسی (ع) ذکر شده موافق قرآن شریف است .

### چهار گر می !

ای پروردگار بزرگ ! رواه دار که در چشم انداز مردم  
زیبنده و زیبا جلوه کنم اما در محرم خانه قلب خود تیره روی و نازیبایا بمان  
خداوندا من بخود نمائی خو نگرفته ام و بخود سازی  
نیندیشیده ام .

خداوندا ، آنها کجا رفتند ؟ آن پادشاهان جهانگیر ، آن  
ستمگران خونریز ، آنها بی که برای افتخار موهوم ؛ برای  
تصرف يك وجب خاک هزاران خاندان را برباد میدادند ، اکنون  
بچه چیز سرگرمند ؟

هیچ فقط در قبر جای گرفتند و پیراهن کفن پوشیدند ، خاک  
بودند و سرانجام نیز با خاک سیاه همدم وهم آغوش گردیدند .

نهج البلاغه - ترجمه جواد فاضل